

عرفان حج

قادر فاضلی

www.ketab.ir



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۰

سرشناسه: فاضلی، قادر، ۱۳۴۱ -
 عنوان و نام پدیدآور: عرفان حج / قادر فاضلی
 مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۹۰
 مشخصات ظاهری: ۱۹۹ ص.
 شابک: 978-964-423-852-9
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۹۷ - ۱۹۹؛ همچنین به صورت زیرنویس
 یادداشت: نمایه
 موضوع: حج - فلسفه
 شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ع ۲ ف ۱۸۸ / BP۹
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۴۴۴۹۴



انتشارات اطلاعات
 تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹۵۳۱۱۱
 تلفن: ۲۹۹۹۳۳۵۵-۶
 فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۴۸۶
 فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

عرفان حج

نوشته قادر فاضلی

حروف نگار: فرحناز نیکناز صفحه‌آرا: فاطمه حلویی
 حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات
 چاپ اول: ۱۳۹۰
 شماره گان: ۲۱۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۳-۸۵۲-۹ ISBN: 978-964-423-852-9

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. Printed in Iran

فهرست

۷	پیشگفتار.....
۱۳	ظاهر و باطن مناسک حج.....
۲۳	نیت حج.....
۲۷	فضیلت حج.....
۳۶	حج، آیینۀ اسلام.....
۴۲	عظمت و آداب ماه حج (ذی الحجه).....
۵۳	سفر قلب (دل) و سفر جسم.....
۶۷	کعبه، مرکز بت شکنی و یکتاپرستی.....
۸۱	کعبه نور، کعبه حجاب.....
۱۰۲	قلب عارف، حج اسماء الله.....
۱۰۷	لباس احرام.....
۱۱۳	طواف.....
۱۲۰	رمی جمرات.....
۱۲۳	حلق (تراشیدن موی سر).....
۱۲۶	سعی.....

- نحر - ذیح (قربانی) ۱۳۰
- دوام تللیه ۱۴۰
- حجر الاسود ۱۴۵
- زیارت پیامبر اکرم (ص) در هنگام حج ۱۴۷
- فیض حج در کلام فیض ۱۵۱
- اسفار اربعه عرفانی ۱۷۴
- اسفار اربعه عرفانی در حج ۱۷۵
- کتابنامه ۱۹۷

پیشگفتار

مؤمنان را فطرت افروز است حج
طاعتی سرمایه جمعیتی
هجرت آموز و وطن سوز است حج
ربط اوراق کتاب ملت‌ی
«اقبال لاهوری»

حج آئینه اسلام است. زیرا ارکان اسلام که توحید و نبوت و معاد باشد
همه در حج متبلور است.

دنیا و آخرت که مجموعه نظام هستی را تشکیل می‌دهد، در عرفان و
اسرار و احکام حج نمایان می‌شود. به همین جهت در روایت آمده است
که: تا حج برقرار باشد دین برقرار است. دین یعنی آنچه رسول‌الله (ص)
آورده است. بنابراین هر آنچه توسط رسول‌الله (ص) آمده است باید
به نوعی در حج نمایان باشد تا بتوان گفت: برقراری دین برابر با برقراری
حج است.

دین امری فطری است. خدا از فطری بودن دین و دینی بودن فطرت
پرده برداشته و می‌فرماید:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ

ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ^۱

روی خود را به طرف دین حنیف گردان. فطرت خداوندی که مردم بر آن اساس آفریده شده‌اند. این خلقت الهی تغییر و تبدیل‌بردار نیست. این است دین قیّم و استوار الهی.

حج مؤمنان را به این فطرت الهی رهنمون می‌شود. فطرت الهی که انسان را الهی ساخته و هویت خود را در الهی بودن خود می‌بیند و از سنگ و گل، دل می‌کند و دل به دلدار می‌دهد. شعار وطن‌پرستی را فدای خداپرستی می‌کند و هجرت از خویش را با هجرت از وطن و ملیت‌های اعتباری شروع کرده و همه تعینات تقیدآور را در آتش عشق ازلی ازاله می‌کند. فطرت آموزی حج با وطن‌سوزی همراه است که:

مؤمنان را فطرت افروز است حج هجرت آموز و وطن‌سوز است حج
حج، حاجیان را از قید فردیت رها ساخته و در ضمن جمعیتی بی‌پایان قرار می‌دهد که اولش آدم است و آخرش نیز آدم خواهد بود. آدمی که آیینۀ الله بوده و جبین به آستان او سوده است. همه بنی آدم اوراق یک کتاب الهی‌اند که بر اثر حوادث تلخ روزگار شیرازه آن از بین رفته و از هم گسسته‌اند. حج این اوراق جدا از هم را به هم پیوند می‌دهد و کتاب انسانی را بازسازی کرده و آن را به هویت الهی خود می‌رساند.

طاعتی سرمایه جمعیتی ربط اوراق کتاب ملتی

چون در نظام هستی یک خداست، در کتاب هستی نیز یک دین بیشتر وجود ندارد که: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^۲

به همین جهت در روی زمین نیز یک خانه خدا بیشتر وجود ندارد. از

۱. الروم، ۳۰.

۲. آل عمران، ۱۹.

آنجا که همه خلق عیال الله هستند، عیال خدا در بیت خدا جای دارد.
«عِيَالَهُ الْخَلْقُ»^۱

مطبخ توست آسمان مطبخیان اختران . آتش و آب ملک تو، خلق همه عیال تو^۲
 چون خلق خانواده خدایند و کعبه خانه خدا، پس کعبه خانه همه
 خلق است. از این رو خداوند سبحان در قرآن آن را متعلق به ناس دانسته و
 می فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^۳

یقیناً اولین خانه مبارکی که برای مردم قرار داده شده همان است که در
 مکه - بککه - بوده و برای هدایت همه جهانیان است.

از این رو کعبه متعلق به همه مردم بوده و بر همگان وظیفه است که رو
 بدو آرند و نهال محبت او را در دل کارند و حجّش را و حقّش را به جا آرند.

«وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا»^۴

بر عهده مردم است که برای خدا، حج خانه اش را به جا آورند، البته بر
 کسی که راه استطاعت بر او باز باشد.

با توجه به این عمومیت بیت برای عیال البیت است که خداوند سبحان
 آن را حرم امن الهی برای خانواده خویش نموده و می فرماید:

«أَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا ءَامِنًا وَتُحَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ»^۵

آیا ندیده اند که مکه را حرم امن قرار دادیم که قبلاً مردم از اطراف آن
 ربوده می شدند؟

۱. نهج البلاغه، خطبه ۹۱

۲. کلیات شمس تبریزی، چاپ امیر کبیر، ص ۸۰۶، غزل ۲۱۵۰

۳. آل عمران، ۹۶

۴. همان، ۹۷

۵. العنکبوت، ۶۷

این همه عظمت برای این بنای عظیم، انسان را عظیم طلب و عظیم خواه نموده و او را از همه تعلقات ظاهری و باطنی جدا کرده و به سوی خویش می‌کشاند. صدها و هزاران سختی گوناگون را به جان می‌خرد و به سوی منزل معبود می‌رود.

عاشق که به صد تهمت بدنام شود این سو
چون نوبت وصل آید صد نام و لقب ببند
ارزد که برای حج در ریگ و بیابانها
باشیر و شتر سازد یغمای عرب ببند
بر سنگ سیه حاجی زان بوسه زند از دل
کز لعل لب یاری او لذت لب ببند^۱
آنان که دل به دلداری داده‌اند و خان و مان به عشق خانه او نهاده‌اند از عظمت و نورانیت موجود در خانه خدا، عظیم و نورانی شده‌اند. این عظمت و نور را با خود به میان دوستان و آشنایان منتظرشان می‌آورند و آنها را در این مائده الهی شریک می‌سازند. آن‌که به دیدار حاجیان رود از انوار حج بهره‌مند می‌گردد و رو به آنها نموده و چنین می‌گوید:

ای خان و مان بمانده و از شهر خود جدا
شاد آمدیت از سفر خانه خدا
روز از سفر به فاقه و شبها قرار نی
در عشق حج کعبه و دیدار مصطفی
مالیده رو و سینه در آن قبله گاه حق
در خانه خدا شد قَدْ کَانَ آمِنَا
چونید و چون بدیت در این راه با خطر
ایمن کند خدای درین راه جمله را
در آسمان ز غلغل لیبیک حاجیان
تا عرش نعره‌ها و غریب است از صدا
جان چشم تو ببوسد و بر پات سر نهد
ای مروه را بدیده و بر رفته بر صفا
مهمان حق شدیت و خدا وعده کرده است
جان خاک اشتری که کشد بار حاجیان
باز آمده ز حج و دل آنجا شده مقیم
تا مشعر الحرام و تا منزل منا
جان حلقه را گرفته و تن گشته مبتلا^۲

۱. کلیات شمس، غزل ۶۱۷، ص ۲۶۴

۲. همان، غزل ۱۹۹، ص ۱۲۱

به امید آنکه همه عاشقان الهی توفیق به جا آوردن حج ابراهیمی را داشته باشند و با دل مملو از عشق دلبر در برابر بیت الله الاکبر چشم سَر به جمال بیت روشن کنند و چشم سَر به جمال صاحب البیت. به امید آنکه کعبه دل مطاف اسماء الله باشد، همان گونه که کعبه گل مطاف عیال الله است. به امید آنکه بیت دل همانند بیت کعبه همیشه مبارک باشد و جز صاحب البیت در این بیت راه پیدا نکند. به امید آنکه صاحب الامر به امر صاحب البیت به زودی از کنار بیت، سَروش بقیّة الله خیر لکم را به گوش سَر و سَر ما برساند.

فالله هو الموفق والمعين

تهران - قادر فاضلی

۱۳۸۷/۵/۱۶

مصادف با ۱۵ شعبان المعظم ۱۴۳۰